

فعل در گویش بختیاری

اسفندیار طاهری

چکیده: بختیاری یکی از گویش‌های جنوب غربی ایران است که در منطقه‌ای در غرب و جنوب غربی ایران بدان صحبت می‌شود. این گویش، در کنار لری کهگیلویه و بویراحمد و لری لریستانی، یکی از سه گونه اصلی گویش لری را تشکیل می‌دهد. این مقاله به بررسی ساختار فعل در گویش بختیاری رایج در شهرستان کوهرنگ می‌پردازد. مواد زبانی این تحقیق در بهار و تابستان ۱۳۸۴ از شهرستان کوهرنگ در استان چهارمحال و بختیاری و از میان گروهی از بختیاری‌های کوچ‌نشین ساکن در اطراف شهر چلگرد، که از طایفه آرپناهی و از شاخه هفت‌لنگ ایل بختیاری هستند، فراهم شده است. در این مقاله، مباحثی مانند ساخت ماده‌های مضارع و ماضی، ساخت مصدر و صفت مفعولی، ادات فعلی، انواع فعل از نظر وجه، زمان و نمود، ساخت فعل مجهول، صرف فعل‌های خاص و تأثیر فرایندهای آوایی در صرف فعل‌ها ارائه شده‌اند. در هر بخش، مباحث نحوی مرتبط با موضوع مورد بحث نیز بررسی شده است.

کلیدواژه: گویش بختیاری، فعل، ساخت فعل، ماده ماضی، ماده مضارع

۱ مقدمه

بختیاری یکی از گویش‌های جنوب غربی ایران است که در منطقه وسیعی در غرب و جنوب غربی ایران به آن تکلم می‌شود. این منطقه، که امروزه در چهار استان چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان و اصفهان واقع شده است، از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد، از غرب به رود دز و شهرستان‌های شوشتر و دزفول در استان خوزستان، از

شمال به شهرستان‌های الیگودرز و دورود در استان لرستان و از شرق به شهرستان‌های شهرکرد و بروجن در استان چهارمحال و بختیاری محدود می‌شود. بختیاری یکی از سه گونه اصلی گویش لری است که بین لری لرستانی در شمال و لری کهگیلویه و بویراحمد در جنوب قرار گرفته است.

مواد زبانی این تحقیق، که بخشی از پایان‌نامه دکتر ننگارنده است، در بهار و تابستان ۱۳۸۴، از میان گروهی از بختیاری‌های کوچ‌نشین ساکن در اطراف شهر چلگرد در استان چهارمحال و بختیاری فراهم شده است. این گروه از طایفه آرپناهی و از شاخه هفت لنگ ایل بختیاری هستند که سردسیر خود را در این منطقه سپری می‌کنند. مواد زبانی تحقیق حاضر مجموعه قصه‌ها، حکایت‌ها، گفتگوها و جمله‌های پراکنده‌ای بوده است که از طریق گفتگو با ده نفر از اعضای دو خانواده از طایفه آرپناهی (مرد و زن) و ضبط آن گردآوری شده است؛ البته کارهایی که درباره گویش بختیاری رایج در دیگر مناطق انجام گرفته نیز مورد توجه بوده است.

۲ پیشینه تحقیق

از میان معدود کارهایی که درباره دستور گویش بختیاری انجام گرفته است، چند اثر زیر به اختصار درباره ساختار فعل در گویش بختیاری اشاراتی داشته‌اند. ویندفور (۱۹۹۳) در مقاله کوتاهی به معرفی گویش بختیاری پرداخته و جدول صرف فعل در گویش بختیاری را آورده است. لوکوک (۱۳۸۲) در مقاله‌ای، ضمن شرح ویژگی‌های گویش لری، به ساختار فعل در بختیاری نیز اشاره کرده است. هر دو مقاله به دلیل حجم اندکی که دارند تنها به کلیات صرف فعل اشاره کرده‌اند و بسیاری از ویژگی‌های صرف در این گویش ناگفته مانده است. مکینون (۲۰۰۲) به توصیف لری خرم‌آبادی پرداخته و، ضمن شرح ساختار فعل آن، این گویش را با دیگر گویش‌های لری از جمله بختیاری به اختصار مطابقت کرده است. عبدالعلی خسروی (۱۳۷۵) مقدمه کوتاهی درباره دستور این گویش دارد و در آن به صرف فعل نیز اشاره کرده است. کار خسروی، هر چند بر پایه روش‌های علمی و زبان‌شناختی انجام نگرفته، نسبت به کارهای دیگر پربارتر و مفصل‌تر و متذکر بسیاری از ویژگی‌های فعل در این گویش شده است. مصطفی علیزاده گل‌سفیدی (۱۳۷۱)

در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، که گوشش بختیاری منطقه مشایخ دینارون را از دیدگاه مردم‌شناختی بررسی کرده و، به اختصار به صرف فعل در بختیاری هم اشاره کرده است، اما در کار وی نیز بسیاری از ویژگی‌ها ناگفته مانده است. هیچ یک از کارهای ذکر شده فعل بختیاری را به طور کامل و همه جانبه بررسی نکرده و تنها به ذکر کلیات اکتفا کرده‌اند؛ و، به مباحثی مانند چگونگی ساخته شدن ماده‌های فعلی، ساختار فعل مجهول، کارکرد ماده‌های ناگذر مجهول و غیره در این کارها اشاره نشده است. در این مقاله، سعی شده است ساختار فعل در گوشش بختیاری کوهرنگ توصیف و، در ضمن، به تفاوت‌های آن با بختیاری رایج در دیگر مناطق نیز اشاره شود.

۳ ماده فعل

فعل‌های بختیاری را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: گروه فعل‌هایی که از دوره میانه به این گوشش رسیده‌اند و بیشتر آنها در فارسی معادل دارند. این دسته از فعل‌ها در این مقاله «فعل‌های غیرتبدیلی» نامیده شده‌اند. این گروه فهرست ثابت و بسته‌ای دارند و ماده‌های مضارع و ماضی آنها، هر چند از نظر تاریخی از یک ریشه فعلی ایرانی باستان بوده‌اند، معمولاً با هم رابطه دستوری ندارند، یعنی ماده ماضی آنها از روی ماده مضارعشان ساخته نشده است. گروه دوم، که فهرستی باز و ساختی زایا دارند، «فعل‌های تبدیلی»^۱ هستند. در این گروه، ماده ماضی از افزودن پسوندی خاص به ماده مضارع ساخته می‌شود.^۲

فعل در بختیاری بر پایه دو ماده مضارع و ماضی ساخته می‌شود:

۳-۱ ماده مضارع

۳-۱-۱ ماده مضارع فعل‌های غیرتبدیلی - این ماده‌های مضارع از دوره میانه به بختیاری رسیده‌اند و همان‌طور که گفته شد با ماده ماضی خود معمولاً رابطه دستوری ندارند. این گروه که فهرست بسته‌ای دارند شامل ماده‌های مضارع گذرا و ناگذر هستند که از جهت ساخت با

1) denominative

۲) در زبان فارسی هم، فعل تبدیلی، که جعلی نیز نامیده می‌شود، وجود دارد. در فارسی، ماده ماضی جعلی از افزودن پسوند «-ید» به ماده مضارع ساخته می‌شود مانند پز-، پزید؛ نام-، نامید (ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۹۵).

هم تفاوتی ندارند، مانند:

مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
niyašten	niyar-	niyašt-,
awīden	awū-	awīd-,
hešten	hel-	hešt-,
behden	bēz-	behδ-
نگریستن		
شدن		
هشتن		
بیختن		

۳-۱-۲ ماده مضارع ناگذر مجهول^۳ - این ماده از افزودن پسوند /-eh/ به پایان اسم، صفت و ماده مضارع فعل‌های غیرتبدیلی گذرا ساخته می‌شود. ماده ماضی آن نیز با افزودن پسوند /-est/ به این ماده مضارع ساخته می‌شود.^۴

مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع ناگذر	اسم
gandehsten	> gandehest	> gande-	gand
rītehesten	> rītehest	> rīteh-	rīt
bandehsten	> bandehest	> bandeh-	band-
گندیدن			
عریان شدن			
بسته شدن			

هرگاه اسم، صفت یا ماده مضارع گذرا به یکی از همخوان‌های -r، -m، -n، -s و -š پایان یابد، بین این همخوان‌ها و /-eh/ (که در این مورد به صورت -h به کار می‌رود) جابه‌جایی رخ داده، ماده ناگذر مجهول به ترتیب به خوشه‌های همخوانی -hr، -hm، -hn، -hs و -hš- مختوم می‌شود:

مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع ناگذر	ماده مضارع گذرا
zahnesten	> zahnest	> zah-	zan-
kahšesten	> kahšest	> hahš-	kaš-
زده شدن			
کشیده شدن			

3) mediopassive

۴) پیشینه ماده ناگذر مجهول به دوره میانه زبان‌های ایرانی برمی‌گردد. در فارسی میانه، پارتی و سغدی، بازمانده‌های ماده‌های آغازی ایرانی باستان هم معنای مجهول داشتند هم به عنوان فعل ناگذر در برابر معادل گذرای خود به کار می‌رفتند (ابوالقاسمی ۱۳۶۷: ۹). اما در فارسی میانه، پسوند -ih و صورت متقدم آن -ih - صرفاً برای ساخت ماده مجهول از ماده مضارع گذرا به کار می‌رفت؛ مانند -xwānih «خوانده شدن» (ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۶۶). این ساخت به فارسی دری نرسیده است؛ اما در یکی از متن‌های فارسی یهودی از سده پنجم هجری، که در منطقه خوزستان نوشته شده است، ساخت‌هایی از نوع -tb'hyhst «تباه شدن» به کار رفته است (مکنزی ۱۹۶۸).

jom-	> johm-	> johmest-	johmesten	تکان خوردن
pas-	> pahs-	> pahsest-	pahsesten	پخته شدن
ger-	> gehr-	> gehrest-	gehresten	گرفته شدن

این ماده را از آن جهت ناگذر مجهول نامیدیم که هم در ساخت فعل مجهول به کار می‌رود هم به عنوان فعل ناگذر در برابر معادل گذرای خود، که باوند /-(e)n/ ساخته می‌شود، قرار می‌گیرد.

در نمونه‌های زیر، فعل‌هایی که بر پایه این ماده ساخته شده‌اند در معنای مجهول به کار رفته‌اند:

melâ sar-om ke **kahnesten** bî. «موهای سرم که کنده شده بودند.»

mêxtavîleke **kahšest**. «میخ چادر کشیده شد.»

rowînâ-sōw **ebohre** «روده‌هایشان بریده می‌شود.»

و در مثال‌های زیر، در معنای فعل ناگذر به کار رفته‌اند.

harrehest hamčo men barf. «همان‌جا توی برف زمین گیر شد.»

nōw wâ-m **nêxahre**. «غذا به خوردم نمی‌رود (میلی به غذا ندارم).»

boldezer-es gehrest be harre. «بولدوزرش گیر کرد داخل گل و لای.»

ماده مضارع تبدیلی - این نوع ماده مضارع از اسم و صفت ساخته می‌شود و بر دو نوع است: ۳-۱-۳

(۱) ساختی که برای ماده مضارع ناگذر به کار می‌رود و در آن اسم یا صفت خود به عنوان ماده مضارع به کار می‌رود. در اینجا ماده ماضی از افزودن پسوند /-est/ به این ماده مضارع ساخته می‌شود:

اسم	ماده مضارع	ماده ماضی	مصدر	
belâz روشن	> belâz-	> belâzest-	belâzesten	درخشیدن
pandaw ورم، عفونت	> pandaw-	> pandawest-	pandawesten	ورم کردن
tak ترک، شکاف	> tak-	> takest-	takesten	ترک برداشتن

(۲) ساختی که برای ماده مضارع گذرا به کار می‌رود و در آن /-(e)n/ به پایان اسم و صفت افزوده می‌شود. گونه /-en/ به پایان واژه‌هایی افزوده می‌شود که به خوشه دو همخوانی پایان

می‌یابند. ماده ماضی این نوع از افزودن /-īδ/ به این ماده مضارع ساخته می‌شود:

مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	اسم
dīnīδen	> dīnīδ-	> dīn-	دود دادن
rītnīδen	> rītnīδ-	> rītn-	عریان کردن
čarxenīδen	> čarxenīδ-	> čarxen-	چرخاندن

پسوند /-(e)n/، هنگامی که به اسم صوت افزوده شود، ماده مضارعی می‌سازد که، گرچه ساخت آن همانند ماده‌های تبدیلی گذرا است، معنی ناگذر دارد:

مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	اسم صوت
ǰīknīδen	> ǰīknīδ-	> ǰīkn-	جیک جیک کردن
ǰēynīδen	> ǰēynīδ-	> ǰēyn-	جیغ کشیدن

۳-۱-۴ ماده مضارع سببی^۵ - این ماده مضارع از افزودن پسوند /-(e)n/ به ماده‌های مضارع گذرا ساخته می‌شود (ویندفور ۱۹۹۳). ماده ماضی این گونه نیز از افزودن وند [-īδ] به این ماده مضارع ساخته می‌شود:

مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع سببی	ماده مضارع گذرا
dīsniδen	> dīsniδ-	> dīsn-	dīs-
šondenīδen	> šondenīδ-	> šonden-	šond-

۳-۲ ماده ماضی

همان‌طور که گفته شد، فعل‌های غیر تبدیلی بختیاری بازمانده فعل‌های دوره میانه‌اند و بین ماده مضارع و ماضی آنها رابطه دستوری وجود ندارد. اما، در ساخت زایای فعل در بختیاری، همه ماده‌های ماضی از روی ماده مضارع ساخته می‌شوند و این کار با افزوده شدن دو نوع پسوند /-īδ/ و /-est/ به ماده مضارع انجام می‌گیرد.^۶

5) causative

۶) در فارسی میانه نیز، همین ساخت وجود دارد و ماده‌های ماضی تبدیلی با دو پسوند -īδ و -ist ساخته می‌شوند. مانند xwānīh- < xwānīhist- «خوانده شدن»، paydāgēn- < paydāgēnīδ- «آشکار کردن». (ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۶۷)

۳-۲-۱

پسوندها -īd- این پسوندها به ماده‌های مضارع تبدیلی گذرا، سببی و ماده‌های مضارع ناگذری که با پسوندها -(e)n/ از اسم صوت ساخته می‌شوند افزوده می‌شود و ماده ماضی معادل آنها را می‌سازد:

ماده مضارع	ماده ماضی	مصدر	
hâgen-	> hâgenīd-	hâgenīden	سقط کردن
sūzn-	> sūznīd-	sūznīden	سوزاندن
hūfn-	> hūfnīd-	hūfnīden	[باد] زوزه کشیدن

۳-۲-۲

پسوندها -est- همان‌طور که در مثال‌های ذکر شده در بالا مشاهده می‌شود، این پسوندها به ماده مضارع ناگذر مجهول یا تبدیلی ناگذر (که برابر با اسم یا صفت است) می‌پیوندند و ماده ماضی معادل آنها را می‌سازد:

ماده مضارع	ماده ماضی	مصدر	
pēteh-	> pētehest-	pētehesten	پیچیده شدن
kahn-	> kahnest-	kahnesten	کنده شدن
xīs-	> xīsest-	xīsesten	خیسیدن

۴ مصدر

مصدر در بختیاری از افزودن پسوندها -en/ به انواع ماده ماضی ساخته می‌شود (خسروی ۱۳۷۵: ۳۱۹). این پسوندها در تلفظ ممکن است به واژه خیشومی شده [-ē] تبدیل گردد، آنگاه -en/ و [-ē] در حالت تنوع آزاد^۷ به جای هم به کار می‌روند.

belâzesten	درخشیدن	pâlnīdē	پالاندن
rītehesten	عریان شدن	niyaštē	نگریستن

نوع دیگر مصدر موسوم به مرخم برابر با ماده ماضی است، مانند jost در جمله زیر:
vast be derâz ēl be jost e Alīsīnâ.

«به دنبال ایل به راه افتاد برای پیدا کردن علی سینا.»

7) free variation

۵ صفت مفعولی

صفت مفعولی از افزودن پسوند /-e/ به ماده ماضی ساخته می‌شود:

مصدر	صفت مفعولی	ماده ماضی
eškanden	شکسته eškande	eškand-
fāsesten	ترک خورده fāseste	fāsest-

در برخی دیگر از مناطق بختیاری، این پسوند به صورت /-a/ به کار می‌رود (خسروی ۱۳۷۵: ۳۱۹؛ ویندفور ۱۹۹۳). صفت مفعولی در تلفظ همانند ماضی نقلی سوم شخص مفرد (← ۷-۹) است، تفاوت این دو در جای تکیه است. در صفت مفعولی، تکیه روی هجای آخر واژه است، اما در فعل ماضی نقلی سوم شخص مفرد تکیه روی هجای آغازی ماضی ساده سوم شخص مفرد است (که در ساخت ماضی نقلی به کار می‌رود):

آورده است	aw'orde	آورده	aword'e
-----------	---------	-------	---------

دو مثال زیر تقابل این دو را در جمله نشان می‌دهند:

«شیر نبود، خورده شده بود.» šīr e nabīda xard'e bīda.

«شیر گوسفندان مرا خورده است.» šīr mēšōw mo ne x'ard e.

۶ ادات فعلی

۶-۱ ادات استمرار e

نشانه استمرار ادات /e/ است که پیش از فعل‌های مضارع اخباری و ماضی ساده می‌آید و ماضی ساده را به ماضی استمراری تبدیل می‌کند. مضارع اخباری معمولاً بدون ادات استمرار می‌آید اما گاهی با این نشانه نیز می‌آید، هر چند بود یا نبود آن تمایزی در معنی مضارع اخباری ایجاد نمی‌کند:

gāmēš ar men aw nawū jōw ekaše, ehalehe, emīre.

«گاو میش، اگر داخل آب نباشد، به جان‌کندن می‌افتد، گرم‌زده می‌شود و می‌میرد.»

bār enahādīm ve kūl, tahde evargerehđīm.

«بار بر پشت می‌نهادیم و گهواره بر می‌گرفتیم.»

هنگامی که قبل از /e/ ادات نفی /na/ قرار می‌گیرد، این دو با هم ترکیب شده به

صورت nē در می آیند: [nēwine] → /na-ewīne/

to xo tē-t nēwine «تو که چشمت نمی بیند.»

hēč aw besōw nēwāste. «اصلاً آب داخل اینها نمی ماند.»

در برخی مناطق بختیاری، مشخصاً مناطق جنوبی و جنوب شرقی، که به منطقه رواج لری کهگیلویه و بویراحمد نزدیک هستند، این وند به صورت /ī/ به کار می رود. (علیزاده ۱۳۷۱: ۷۹؛ ویندفور ۱۹۹۳)

۶-۲ ادات نفی و نهی

ادات نفی تکواژ /na/ است که قبل از فعل یا قبل از نشانه استمرار می آید:

tā del nasūse hars nērēse. «تا دل نسوزد اشک نمی ریزد.»

ادات نهی تکواژ /ma/ است که پیش از فعل‌های امر و مضارع تمنایی می آید:

dong wā-sōw mađīn. «حرف بهشان نزید.»

keymānd šī makonāya. «دختر ترشیده شوهر نخواهد کرد.»

۶-۳ hone

این ادات، که در برخی از مناطق بختیاری به صورت one و oney به کار می رود (← خسروی ۱۳۷۵: ۳۲۶)، نشانه نمود در جریان (← ۷-۴) است. /hone/ قبل از مضارع اخباری می آید و آن را به مضارع در جریان تبدیل می کند^۸:

ya ordī hone ĵang ekonen «یک سپاهی دارند با هم جنگ می کنند.»

dī xers hone yā. «دید خرس دارد می آید.»

hone، هنگامی که بلافاصله قبل از صورت‌های صرفی فعل پی‌چسب -om، -ī، -e، -īm، -īn، -en «هست» قرار می گیرد، با این فعل ادغام می شود (برای مثال hone + om → honem یا hone + e → hone) اما، اگر با فاصله قبل از آن بیاید، این فعل

(۸) این ادات در لری خرم‌آبادی به صورت hā همین کارکرد را دارد. مکینون (۲۰۰۲) کارکرد آن را تأکید بر عملی که در حال انجام است بیان می کند؛ افزون بر این، به نقش آن در ساخت مضارع در جریان نیز اشاره می کند، مانند hā yā «دارد می آید».

به صورت جداگانه ظاهر می‌شود:

bīnen, rāst egō mēšōw **honen** hamčo. (honen < hone + -en)

«می‌بینند، راست می‌گوید گوسفندها الان آنجا هستند.»

mo bare kočīre ne xom ke **hone** zēr dā. (hone < hone + -e)

«من آن بره کوچک را می‌خواهم که زیر مادرش ایستاده است (و دارد شیر می‌خورد).»

xom tak om, **honem** hamčo. (honem < hone + -om)

«خودم تنهایم و اکنون اینجایم.»

raw bīn rūwā **hone** kōje ne.

«برو ببین روباه الان کجاست.»

از کارکردهای دیگر این تکواژ کاربرد آن در ساخت نوعی ماضی نقلی مجهول (با فعل‌های گذرا) است. hone در قالب یک ساخت غیرصرفی (اطنابی)^۹ قبل از صورت‌های صرفی فعل پی‌چسب «هست-» (یعنی -om، -ī، -e، -īm، -īn، -en؛ همانند آنچه در بالا گفته شد، در این مورد نیز hone با این فعل‌ها ادغام می‌شود) و صفت فعلی گذشته می‌آید و گونه‌ای ماضی نقلی مجهول می‌سازد و بیان‌کننده عملی است که در گذشته انجام گرفته و به پایان رسیده است، اما نتیجه آن عمل در زمان حال ادامه یافته است:

hame **honen** hamčo vande. (honen < hone + en)

«همه اینجا انداخته شده‌اند (= هستند انداخته).»

rah, dī boz alūse **hone** morde, dāren gelūrnen-es. (hone < hone + e)

«رفت دید بز سفید مرده است، دارند پوستش را می‌کنند.»

۴-۶ be-

این ادات کم‌کاربرد گاهی قبل از فعل‌های امر و ماضی تمنایی می‌آید، هر چند فعل امر معمولاً بدون این ادات به کار می‌رود:

pā neh sar bard sohre **beyaw**.

«پا بگذار روی سنگ سرخ و بیا.»

9) periphrastic

xoðey bârōw bezeydē amšaw.

«خدایا، کاش امشب باران می‌بارید.»

ar sī xom begohdenē...

«اگر به خودم می‌گفتند...»

۶-۵ hey

این اادات برای بیان نمود پیاپی (تکریری) به کار می‌رود و همراه فعل‌های مضارع اخباری، ماضی استمراری و امر می‌آید و به آن معنی تکرار می‌دهد.^{۱۰} گاهی همراه فعل ماضی در جریان نیز می‌آید (خسروی ۱۳۷۵: ۳۲۵).

hey henâ enahâ be dastâ-sōw o hey eyawe

«همواره به دست‌هایشان حنا می‌نهاد و می‌آمد.»

dī ya kelâ hone hey yâ.

«دید یک کلاغی دارد می‌آید.»

berēze band hey bedīn-es

«صمغ گیاه ببند رویش و پیاپی دودش بده.»

۷ انواع فعل از نظر وجه، زمان و نمود

۷-۱ مضارع اخباری

مضارع اخباری از پیوستن شناسه‌های مضارع اخباری به ماده مضارع ساخته می‌شود (خسروی ۱۳۷۵: ۳۲۶). مانند ger-، gerehden «گرفتن»:

می‌گیرم	gerīm	می‌گیرم	gerom
می‌گیرید	gerīn	می‌گیری	gerī
می‌گیرند	geren	می‌گیرد	gere

مضارع اخباری معمولاً بدون اادات استمراری به کار می‌رود، اما گاهی اادات استمرار نیز قبل از این فعل می‌آید، هرچند بدون آن نیز می‌تواند معنی استمراری داشته باشد:

konīm-es ve kīsen aw vane.

«می‌کنیمش داخل کیسه آب پس می‌دهد.»

hol-es edīm tâ xūw epahse.

«گرمش می‌کنیم تا خوب پخته می‌شود.»

۱۰) در لری خرم‌آبادی نیز، این اادات به صورت hey برای بیان تکراری بودن یک عمل به کار می‌رود، مانند hey gui «همین طور داری می‌گویی». این اادات برای بیان عمل تکراری و عادت‌گونه در گذشته نیز به کار می‌رود: hey rat «همواره می‌رفت». (مکینون ۲۰۰۲)

مضارع التزامی

۷-۲

بختیاری ساخت ویژه‌ای برای مضارع التزامی ندارد. مضارع اخباری در نقش مضارع التزامی نیز عمل می‌کند؛ در این صورت، حتماً بدون ادات /e/ و /be/ به کار می‌رود. مضارع التزامی برای بیان خواست، الزام یا احتمال انجام کار یا برای بیان عملی که همراه با شرط است به کار می‌رود:

mo wâ rom kešik helom.

«من باید بروم و دیده‌بانی کنم.»

dōḍar piyâke xâst re tey kečī-s.

«دختر مرد می‌خواست برود نزد عمه‌اش.»

dī natarom ke būsom-et.

«دیگر نمی‌توانم ببوسمت.»

مضارع تمنایی

۷-۳

از پیوستن شناسه‌های خاص مضارع تمنایی به ماده مضارع ساخته می‌شود. شناسه‌های تمنایی در بختیاری در اول شخص و سوم شخص مفرد بازمانده شناسه‌های مضارع التزامی فارسی میانه هستند (در این باره ← ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۷۰)، اما در صیغه‌های دیگر به قیاس با صورت اول شخص مفرد از افزودن شناسه‌های مضارع اخباری به صورت سوم شخص مفرد ساخته شده‌اند (یعنی در واقع صورت سوم شخص مفرد ماده فرض شده و شناسه‌های مضارع اخباری به آن افزوده شده است)^{۱۱}. مانند kon-، kerdn «کردن»:

konâm	باشد که کنم	konâyīm	باشد که کنیم
konâyī	باشد که کنی	konâyīn	باشد که کنید
konâ(ya)	باشد که کند	konân	باشد که کنند

مضارع تمنایی بیشتر برای خواست، آرزو یا نفرین به کار می‌رود، اما گاهی در جمله شرطی یا برای بیان آینده نیز به کار می‌رود:

(۱) در معنی خواست، آرزو یا نفرین:

espēdī gerâ-t.

«سفیدی بگیرادت (باشد که کفن‌پوش شوی).»

(۱۱) در فارسی دری، تنها شناسه سوم شخص مفرد مضارع التزامی فارسی میانه باقی مانده است که در ساخت فعل دعایی به کار می‌رود، مانند پیام‌زاد. اما صورت‌هایی مانند بادند «که باشند» نیز وجود دارد که از افزودن شناسه «-ند» به فعل دعایی سوم شخص مفرد باد ساخته شده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۲۰۴).

tor mordeyal rawâyîm.

«باشد که در پی مرده‌ها روانه شویم.»

salâtîn men ĵiyar-et wūftâ.

«سرطان توی جگرت بیفتد.»

(۲) در بیان شرط:

boz alûse-mōw mîrâ, ar mo bordom- sōw «بز سفیدمان بمیرد اگر من بردمشان.»

neyðe mabîná wo keymand šî makonâya.

«ندیده نخواهد دید، دختر ترشیده هم شوهر نخواهد کرد.»

۷-۴ مضارع در جریان^{۱۲}

فعلی است که برای بیان اعمالی که هم اکنون در حال انجام هستند به کار می‌رود. این فعل در فارسی با کمک صرف مضارع فعل معین «داشتن» ساخته می‌شود، مانند «دارم می‌روم» (وحیدیان کامیار ۱۳۷۹: ۴۶). مضارع در جریان در بختیاری به دو روش بیان می‌شود. در روش اول، فعل معین dâšten, dâr- «داشتن» قبل از صرف مضارع اخباری فعل اصلی قرار می‌گیرد. در روش دوم، ادات /hone/ قبل از صرف مضارع اخباری فعل اصلی قرار می‌گیرد. (خسروی ۱۳۷۵: ۳۲۶)

boz alûse mord e dâren gelûrnen-es.

«بز سفید مرده است، دارند پوستش را در می‌آورند.»

gage-t rahð e be hōwe kâkâ-t hone yâhe.

«برادرت رفته است به خانه عمویت، دارد می‌آید.»

۷-۵ امر

در بختیاری، فعل امر دو صیغه دارد: دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع. امر دوم شخص مفرد به دو روش ساخته می‌شود. در روش اول، خود ماده مضارع بدون شناسه برای ساخت فعل امر به کار می‌رود. در روش دوم، به ماده مضارع شناسه /a/ افزوده می‌شود. در هر دو مورد، پیش از فعل امرگاهی ادات /be/ نیز می‌آید:

12) progressive present

xūw nahk-sow̄ kon.	«خوب نرمشان کن.»
betak tâ īmâ rīm men-et.	«شکافته شو تا ما برویم داخل.»
Sekīne' seyl kona.	«سکینه، نگاه کن.»
xoḡā' yo ne buwahša	«خدایا، این را ببخش.»
فعل امر دوم شخص جمع از ماده مضارع و شناسه /in/ ساخته می‌شود. ادات فعلی be می‌تواند قبل از این فعل امر بیاید:	
rī-s e wordārīn	«رویش را بردارید.»
nōw sī šōw kam befešnīn.	«غذا برای چوپان کم بفرستید.»

۷-۶ آینده

بختیاری ساخت ویژه‌ای برای آینده ندارد. از مضارع اخباری برای بیان آینده نیز استفاده می‌شود^{۱۳}. (علیزاده ۱۳۷۱: ۸۵)

sohm ke rūz ebūhe, be kol nāwūd-tōw ekonēn.	«فردا که روز فرا خواهد رسید، به کل نابودتان خواهند کرد.»
sowa-šaw ham eren sī čelaw, pāsowa eren sī čālmonār.	«فردا شب هم به سمت چلو خواهند رفت و پس فردا به چال منار خواهند رفت.»

۷-۷ ماضی ساده

از پیوستن شناسه‌های خاص ماضی ساده به ماده ماضی ساخته می‌شود (خسروی ۱۳۷۵: ۳۲۴). صرف فعل vasten «افتادن» چنین می‌شود:

vastīm	افتادیم	vastom	افتادم
vastīn	افتادید	vastī	افتادی
vasten	افتادند	vast(a)	افتاد

۱۳ در فارسی میانه نیز، ساخت ویژه‌ای برای بیان آینده وجود نداشت و از مضارع‌های اخباری و التزامی بدین منظور استفاده می‌شد. (← زوندرمان ۱۳۸۲)

ماضی ساده سوم شخص مفرد، افزون بر ساخت معمول که برابر با ماده ماضی است، ساخت ویژه دیگری دارد که در آن به ماده ماضی شناسه /-a/ افزوده می شود. در این مورد، هر گاه ضمیرهای شخصی متصل به فعل افزوده شود، شناسه /-a/ بعد از ضمیر متصل قرار می گیرد. این دو ساخت با هم تفاوتی ندارند و می توانند در کنار هم نیز به کار روند:

sarpâ ne hešta tey xos «کله پاچه را پیش خودش نگه داشت.»
rah bareyal-es e forohða. «رفت بره هایش را فروخت.»
mêre ham zey-s-a. «شوهر هم او را زد.»

۷-۸ ماضی استمراری

با افزودن ادات استمرار /e/ قبل از ماضی ساده ساخته می شود (علیزاده ۱۳۷۱: ۷۹). صرف ماضی استمراری فعل rahðen «رفتن» چنین می شود:

erahðom	می رفتم	erahðīm	می رفتیم
erahðī	می رفتی	erahðīn	می رفتید
erahð(a)	می رفت	erahðen	می رفتند

sohm ke ekerd wâ kel, edīða šīr e nabīða.

«صبح که برمی خاست می دید که باز شیر را نبود.»

bâr enahâðīm ve kûl, tahðe evargerehðīm.

«بار بر پشت می نهادیم و گهواره بر می گرفتیم.»

۷-۹ ماضی نقلی

از صرف ماضی ساده فعل اصلی و صیغه سوم شخص مفرد متصل فعل «هست» یعنی /e/ ساخته می شود (خسروی ۱۳۷۵: ۳۲۵). صرف ماضی نقلی فعل aweðen «آمدن» چنین می شود:

aweðom e	آمده ام	aweðīm e	آمده ایم
aweðī ye	آمده ای	aweðīn e	آمده اید

aweð e آمده است aweðen e آمده‌اند
«از بامداد تا حالا غذا نخورده‌ام.» ze dam sohw tâ halâ zât **naxardom e.**
«انگورها له شده‌اند.» angirâ **tehlesten e.**
ضمیرهای متصل بین فعل اصلی صرف شده و /e/ می‌آیند:
«مرا شب گرفته است.» mo šaw **gereh-m e.**
«مگر تو را بدبختی گرفته است؟» mayar bað-baxtî **gerehð-et e?**

۷-۱۰ ماضی بعید

از صرف ماضی ساده فعل اصلی و صیغه سوم شخص مفرد ماضی ساده فعل **bīðen** «بودن»، یعنی **bī**، ساخته می‌شود. صرف ماضی بعید فعل **vasten** چنین می‌شود:

vastom bī	افتاده بودم	vastīm bī	افتاده بودیم
vastī bī	افتاده بودی	vastīn bī	افتاده بودید
vast bī	افتاده بود	vasten bī	افتاده بودند

«پول تمام کرده بودم.» pīl **borrīm bī.**
«موهای سرم که کنده شده بودند...» melâ sar-om ke **kahnesten bī...**
«چرا الکی گفته بودی؟» sīčē alakī **gohdī bī?**
ضمیرهای شخصی متصل بین فعل اصلی و **bī** می‌آیند:
«آورده بودنش.» aworden-es **bī.**
«بوی صیاد زده بودنشان.» bū siyâð **zey-sōw bī.**
در برخی از مناطق بختیاری، ساخت دیگری مشابه ماضی بعید در فارسی برای ساختن ماضی بعید به کار می‌رود و آن از صفت مفعولی و صرف ماضی ساده فعل معین **bīðen** «بودن» ساخته می‌شود، مانند **rahðe bīðom** «رفته بودم» (علیزاده ۱۳۷۱: ۸۰).

۷-۱۱ ماضی التزامی

از صفت مفعولی و صرف مضارع اخباری فعل /bū-/ «شدن، بودن» ساخته می‌شود. صرف ماضی التزامی فعل **dōwesten** «دانستن» چنین می‌شود:

دانسته باشم	dōweste būyīm	دانسته باشم	dōweste būwom
دانسته باشید	dōweste būyīn	دانسته باشی	dōweste būyī
دانسته باشند	dōweste būyen	دانسته باشد	dōweste bū(ye)

ar imâ keywenū naḍâšte būyīm to čē konī?

«اگر ما کدبانو نداشته باشیم، تو چکار می‌کنی؟»

to harče xâste būyī mo be to edom. «تو هر چه خواسته باشی، من به تو می‌دهم.»

۷-۱۲ ماضی تمنایی

از افزودن پسوند /ē/ به پایان صیغه‌های ماضی ساده فعل ساخته می‌شود و برای همه شخص‌ها همین صورت به کار می‌رود (خسروی ۱۳۷۵: ۳۲۷). ماضی تمنایی در جمله برای بیان خواست و آرزو، شک و تردید یا بیان شرط در جمله شرطی به کار می‌رود. معمولاً قبل از ماضی تمنایی ادات /be/ می‌آید^{۱۴}:

(۱) در بیان خواست و آرزو:

xoḍey 'bârōw bezeydē amšaw.

«خدایا، کاش امشب باران می‌بارید.»

xo ham aval begohdīyē.

«بهتر بود همان اول می‌گفتی.»

kâškī ičo bīdomē.

«کاشکی اینجا بودم.»

(۲) در بیان شک و تردید:

raw ze zēr bâ-s balâ tâyer-es e zeydīyē.

«برو به سمت پایینش، شاید تایرش را بتوانی بزنی.»

(۳) در جمله شرطی:

ar sī xom begohdenē nēheštom rawē. «اگر به خودم می‌گفتند، نمی‌گذاشتم بروم.»

šâns-om ar gerehyē ...

«شانسم اگر می‌گرفت ...»

۱۴) در فارسی دری، فعل تمنایی از افزودن «ی» به پایان انواع فعل، مانند مضارع اخباری، ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید، ساخته می‌شود. مانند بیاسودمی (ماضی ساده)، گفته استی (ماضی نقلی)، گفته بودمی (ماضی بعید). (ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۲۰۲)

۸ فعل مجهول

در بختیاری، فعل مجهول تنها با ماده مجهول (ناگذر مجهول) ساخته می‌شود (۱-۲-۳). و صیغه‌های مختلف آن مانند فعل‌های غیرمجهول صرف می‌شود. به این ترتیب، دستگاه کاملی از انواع فعل مجهول قابل ساختن است. همان‌طور که پیش از این گفته شد، ماده مجهول در بختیاری در واقع ماده ناگذر مجهول است که کارکردی دوگانه دارد، یعنی هم برای ساخت مجهول به کار می‌رود هم به عنوان فعل ناگذر در برابر گونه گذرای خود قرار می‌گیرد. در زیر، برای نمونه، صرف فعل *zahnesten* «زده شدن» در صیغه‌های مختلف آورده می‌شود:

(۱) مضارع اخباری مجهول

زده می‌شوم	<i>zahnōm</i>	زده می‌شویم	<i>zahnīm</i>
زده می‌شوی	<i>zahnī</i>	زده می‌شوید	<i>zahnīn</i>
زده می‌شود	<i>zahne</i>	زده می‌شوند	<i>zahnen</i>

(۲) مضارع تمنایی مجهول

باشد که زده شوم	<i>zahnām</i>	باشد که زده شویم	<i>zahnāyīm</i>
باشد که زده شوی	<i>zahnāyī</i>	باشد که زده شوید	<i>zahnāyīn</i>
باشد که زده شود	<i>zahnā(ya)</i>	باشد که زده شوند	<i>zahnān</i>

(۳) امر مجهول (دوم شخص مفرد و جمع)

زده شو	<i>zahn(a)</i>	زده شوید	<i>zahnīn</i>
--------	----------------	----------	---------------

(۴) ماضی ساده مجهول

زده شدم	<i>zahnestom</i>	زده شدیم	<i>zahnestīm</i>
زده شدی	<i>zahnestī</i>	زده شدید	<i>zahnestīn</i>
زده شد	<i>zahnest(a)</i>	زده شدند	<i>zahnesten</i>

(۵) ماضی نقلی مجهول

زده شده‌ام	<i>zahnestom e</i>	زده شده‌ایم	<i>zahnestīm e</i>
زده شده‌ای	<i>zahnestī ye</i>	زده شده‌اید	<i>zahnestīn e</i>
زده شده است	<i>zahnest e</i>	زده شده‌اند	<i>zahnesten e</i>

۶) ماضی بعید مجهول

زده شده بودیم	zahnestīm bī	زده شده بودم	zahnestom bī
زده شده بودید	zahnestīn bī	زده شده بودی	zahnestī bī
زده شده بودند	zahnesten bī	زده شده بود	zahnest bī

مثال‌های زیر کاربرد برخی از انواع فعل مجهول را در جمله نشان می‌دهد:

rowīnâ-sōw ebohre.	«روده‌هایشان بریده می‌شود.»
čâr tâ-sōw zahnesten.	«چهارتایشان زده شدند.»
melâ sar-om ke kahnesten bī.	«موهای سرم که کنده شده بودند.»
angrâ tehlesten e.	«انگورها له شده‌اند.»
berenjâ tišgehesten.	«برنج‌ها پخش شدند روی زمین.»

۹ صرف فعل‌های خاص

چند فعل زیر دارای صرف خاص هستند یا در برخی صیغه‌ها صورت خاص دارند:

۱) فعل متصل «هست»: این فعل گونه پیوسته فعل -hēδ «هست» است:

-om	هستم	-īm	هستیم
-ī	هستی	-īn	هستید
-e ، -ya	هست	-en	هستند

این فعل به پایان اسم، صفت و ضمیر می‌پیوندد. بین واژه‌های مختوم به واکه و این فعل همخوان‌های میانجی -y-، -h- و -n- افزوده می‌شود. صورت صرفی -ya- گاهی بعد از واژه‌های مختوم به واکه می‌آید:

mo xom tak om.	«من خودم تنهایم.»
to kē nī?	«تو کیستی؟»
kâr-konâ ya.	«کاربکن است.»
īmâ zēne yīm.	«ما زن هستیم.»
īsâ piyâ hīn wâ zēne?	«شما مرد هستید یا زن؟»

۲) فعل hēδ «هست» و گونه منفی آن -nēδ «نیست» ماده ماضی ندارد و تنها

صرف مضارع اخباری دارد. ماضی ساده آن از فعل bīden «بودن» صرف می‌شود:

هستم	hēdom	هستیم	hēdīm
هستی	hēdī	هستید	hēdīn
هست	hēδ, hēda, hēde	هستند	hēden

نیستم	nēdom	نیستیم	nēdīm
نیستی	nēdī	نیستید	nēdīn
نیست	nēδ, nēda, nēde	نیستند	nēden

صورت‌های hēda و nēda به قیاس با ساخت ماضی ساده سوم شخص مفرد و گونه‌های hēde و nēde به قیاس با ساخت ماضی نقلی سوم شخص مفرد ساخته شده‌اند، اما معنی مضارع دارند.

۳) فعل bīden, bū- «بودن» در صرف مضارع تمنایی خود از روی صورت ماده مضارع b- صرف می‌شوند:

که باشم	bām	که باشیم	bāyīm
که باشی	bāyī	که باشید	bāyīn
که باشد	bāhā, bā(ya)	که باشند	bān

۱۰ برخی فرایندهای آوایی در صرف فعل‌ها

از میان فرایندهای آوایی در گویش بختیاری، چند فرایند زیر در صرف فعل‌ها نقش اساسی دارند و باعث کاهش صورت صرفی آنها می‌شوند:

(۱) حذف δ میان واکه‌ای و پس‌واکه‌ای - یکی از فرایندهای آوایی مهم در گویش بختیاری، که به‌ویژه در صرف فعل‌ها نمود یافته است، حذف δ و گاه تبدیل آن به γ در جایگاه میان واکه‌ای و پس‌واکه‌ای در پایان واژه است. در این فرایند آوایی که در مرز بین ماده ماضی فعل و شناسه آن رخ می‌دهد، [δ] حذف و دو واکه باقیمانده در واکه نخست ادغام می‌شوند:

awīden > awīn

شدند

vardâdes > vardâs	رهایش کرد
aweðom > awem e	آمده‌ام
enahâdes > enahâs	می‌نهادش
rehðim > rehîm	ریختیم
dîdî > dîyî	دیدى
gerehðe > gerehye	اگر می‌گرفت
awîð > awî	شد
kašîð > kašî	کشید

۲) حذف h میان‌واکه‌ای – در مرز بین ماده‌های مضارع مختوم به h- و شناسه، h میان‌واکه‌ای حذف و دو واکه باقیمانده در واکه دوم ادغام می‌شوند:

enehîm > enîm	می‌نهیم
xâhom > xom	می‌خواهیم
dehen-es > den-es	می‌دهندش
edehe-m > edî-m	می‌دهیم / می‌دهی به من

۳) در صرف مضارع فعل rahðen, raw- «رفتن» نیز w میان‌واکه‌ای حذف و دو واکه باقیمانده در واکه دوم ادغام می‌شوند:

erawom → erom	می‌روم
rawen → ren	می‌روند

نتیجه‌گیری ۱۱

ویژگی‌های شاخص فعل را در بختیاری بدین‌گونه می‌توان خلاصه کرد: بختیاری، به خلاف فارسی، که گرایش به ساخت فعل‌های مرکب دارد، توانایی ساخت فعل جدید ساده از اسم، صفت و اسم صوت را دارد. در این ساخت، فعل‌های گذرا با پسوند /-n/ فعل‌های ناگذر با پسوند /-eh/ یا بدون افزودن پسوند از اسم، صفت و اسم صوت ساخته می‌شوند. نکته جالب در این میان کارکرد دوگانه ماده‌ای است که با پسوند /-eh/ ساخته می‌شود. این ماده، علاوه بر آنکه به عنوان فعل ناگذر در برابر معادل‌گذاری خود به کار

می‌رود، در ساخت فعل مجهول نیز استفاده می‌شود. از سوی دیگر، همهٔ ماده‌های ماضی جدید نیز با پسوند /-est/ برای ماده‌های ناگذر و ناگذر مجهول و [-īδ] برای ماده‌های گذرا از روی مادهٔ مضارع ساخته می‌شوند. نشانهٔ استمرار ادا ت /e/ است. ادا ت /hey/ و /hone/ نیز به ترتیب برای بیان نمود پیاپی (تکریری) و نمود در جریان به کار می‌رود. از دیگر ویژگی‌های بختیاری، داشتن وجه تمنایی در مضارع و ماضی است. مضارع تمنایی با شناسه‌های خاص خود از مادهٔ مضارع ساخته می‌شود. ماضی تمنایی نیز از افزودن /e/ به پایان صرف ماضی سادهٔ فعل ساخته می‌شود. هر دو فعل برای بیان خواست، آرزو یا نفرین به کار می‌روند. بختیاری ساخت ویژه‌ای برای بیان آینده ندارد. مضارع اخباری برای بیان آینده نیز به کار می‌رود. در ساخت فعل‌های ماضی نقلی و بعید نیز شاهد جنبه‌های جالبی در بختیاری هستیم؛ در این گویش، به خلاف فارسی، فعل اصلی صرف می‌شود و فعل معین به شکل ثابت سوم شخص مفرد به کار می‌رود؛ مانند kerdom e «کرده‌ام»، kerdom bī «کرده بودم». فعل مجهول از طریق به کار بردن مادهٔ ناگذر مجهول، که با پسوند /-eh/ ساخته می‌شود، بیان و صیغه‌های مختلف آن همانند دیگر فعل‌ها صرف می‌شود. همانند فارسی گفتاری، در بختیاری نیز عملکرد برخی فرایندهای آوایی باعث کاهش صورت صرفی فعل یا به اصطلاح شکستن آن می‌شود. این شکستن در مرز بین ماده و شناسهٔ فعل صورت می‌گیرد. دو فرایند آوایی زیر در این پدیده تأثیر گذارند. یکی حذف δ میان‌واکه‌ای که در صرف ماده‌های ماضی مختوم به [-īδ] است و دیگری حذف h میان‌واکه‌ای در صرف ماده‌های مضارع مختوم به /-h/ است، مانند: awīn > awīden «شدند»، enīm > enehīm «می‌نهیم».

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۶۷). پنج گفتار در دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: کتابسرای بابل.
— (۱۳۷۵). دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سمت.
خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۵). گویش بختیاری. اصفهان: غزل.
علیزاده گل سفیدی، مصطفی (۱۳۷۱). «گویش بختیاری منطقهٔ مشایخ». پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
لوکوک، پیر (۱۳۸۲). «گویشهای جنوب غربی ایران». راهنمای زبان‌های ایرانی. ویراستار: ر. اشمیت،

مترجمان آ. بختیاری و دیگران، ترجمه فارسی زیرنظر حسن رضایی باغبیدی، تهران: ققنوس، ۵۷۶-۵۶۳.

وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی (۱). تهران: سمت.
ویندفور، گرنوت (۱۳۸۲). «گویشهای ایرانی غربی». راهنمای زبانهای ایرانی. ویراستار: ر. اشمیت، مترجمان:
آ. بختیاری و دیگران، ترجمه فارسی زیرنظر حسن رضایی باغبیدی، تهران: ققنوس، ۴۸۵-۴۸۷.

MACKENZIE, D.N. (1968). "An Early Jewish-Persian Argument". *BSOAS*, 30, 249-269.

MACKINNON, C. (2002). "The Dialect of Xorramabad and Comparative Notes on Other Lor Dialects". *Studia Iranica*, 31, 103-138.

WINDFUHR, G. (1993). "Bakhtiari Dialect". *Encyclopedia Iranica*, Vol. 3, California: Mazda Publisher, 559-561.

